

جناب آقای دکتر حسن روحانی  
ریاست محترم جمهوری  
با سلام

مايلم به عنوان يك شهروند ايراني امريکايي و نيز به عنوان يك خادم کليسا و معتقد به نقش راهب ساحت دين در دنياي امروز ، ضمن تبريك پيروزى شما در انتخاب اخير رياست جمهوري و آرزوی موفقیت در پيروزى از خط مشی اعتدال و ميانه روی و پرهیز از دروغ و تاكيد بر سياست اخلاق مدارانه نکاتی به استحضار برسانم انگیزه اولیه و اصلی من در نوشتن این نامه بخشی از سخنان شما در آخرین جلسه دفاع از وزراء پیشنهادی به مجلس شورای اسلامی است . كه در آن ادعای کردید:

همه باید تلاش کنیم آتش ها با تدبیر خاموش شود، ضمن آن که ما به دستگاه قضایی اعتماد داریم .  
جناب آقای رئیس جمهوری از آنجا که شما مدت‌ها از متن قدرت در نظام جمهوری اسلامی دور بوده اید و در حاشیه آن به کار پژوهش و تحقیق اشتغال داشته اید بیان این اظهارات خلاف واقع را حاصل نداشتن اطلاعات کافی و صحیح دانسته و برخود واجب می دانم برخی شواهد از انبوه اطلاعات و مدارک را که نشان می دهد دستگاه های امنیتی و به تبع آن دستگاه قضایی طی دوره مورد اشاره شما از جاده عدالت خارج شده و در موارد متعدد ضمن تخلف از قوانین و دستورات جاري اقدام به صدور احکام کاملاً ناعادلانه و مغایر با موازین دینی، قانونی و حقوقی بشری کرده اند به اطلاع برساند . در میان همبندان من در ۳۵۰ زندان اوین، تعداد کسانی که در فرآیند بازداشت ، بازجویی و محکمه از کمترین حقوق قانونی خود محروم بوده اند و به اتهامات بی پایه و اساس ، بدون آن که فرصت دفاع مکفی ، به آنها داده شود ، ماه ها و سال هاست در زندان بسر می برند بسیارند و توصیه می کنم کمیته حقیقت یابی را مامور کنید تا با مرور پرونده های بازداشت شدگان خصوصاً در فاصله سال ۱۳۸۸ تا امروز صحت ادعاهای اینجانب را بررسی کنند.

بدیهی است انگیزه من از طرح این موارد نه سیاسی بلکه انسانی و دینی است زیرا خدایی که او را مالک و دایر مدار هستی می دانیم ، همه ما مسلمان، مسیحی، کلیمی و زرتشتی را به عدالت امر کرده و البته من و شما به عنوان خادمین خدا زبان مشترک و بسیار نزدیکی برای گفتگو در این امور داریم به هر حال به منظور شروع این گفتگو مایلم به عنوان يكی از ده ها زندانی ۳۵۰ که کمترین نشانی از عدالت در جریان بررسی و صدور حکم در پرونده ام صورت نگرفته ، نکاتی را به اختصار به عرض برسانم و اميد داشته باشم که با یاری خدا ، دولتی که ادعا دارد دولت راستگویانه است ، تلاش های لازم را به منظور احقيق حقوق عموم مردم از جمله اینجانب انجام دهد.

اینجانب سعید عابدینی گلنکش متولد تهران که از ۱۳۸۴ ساکن امريکا هستم ، جهت خدمت و با عشق به کشور عزيzman ايران در ۱۳۸۹ به ايران بازگشتم تا بتوانم در نقاط مختلف و مورد نياز ، مراکز نگهداری از کودکان بي سرپرست را با همکاری سازمان های مربوطه دولتی و کسب مجوز های لازم تاسیس کنم . از این رو اولین نقطه جهت این امر را در استان گیلان و زادگاه پدری ام شهر رشت انتخاب کردم و با همکاری بهزیستی رشت و موافقت آن سازمان شروع به فعالیت و تاسیس مرکز ستاره درخششده صحیح کردم . لازم به توضیح است که اینجانب از سال ها پیش خادم رسمي کلیسای قانونی پنجاه ساله جماعت ربانی بوده ام اگر چه طی سالهای گذشته که آخرين آن ها سه سال پیش بود برای ادای توضیحات به وزارت اطلاعات خوانده شدم ، اما مسئولان امنیتی پس از استماع سخنان من اطمینان دادند که می توانم همچنان در کلیسای نامبرده خدمت کنم و البته نمی توانم در کلیساهاي خانگی که سابقاً در آنها فعال بودم شرکت داشته باشم .

از ۱۳۸۹ چندین مرتبه به ایران مسافرت کردم و مطابق و عده وزارت اطلاعات هیچگاه مانعی در فعالیت ها و آمد و شد وجود نداشت ، تا اینکه در مرتبه ششم که به ایران مسافرت کردم تا امور مربوط به مرکز نگهداری از کودکان بی سرپرست را پیگیری و ساماندهی کنم در تاریخ ۰۵/۱۳۹۰ با هجوم مامورین وزارت اطلاعات به منزل پدری دستگیر شده و به سلول انفرادی در ۲۰۹ زندان اوین منتقل و مدت ۴ ماه در آن بند بازداشت بودم در این دوران بسیار سخت و طاقت فرسا و زجر آور که مجال توضیح آن در اینجا وجود ندارد به شدت از خونریزی معده و بیماری های داخلی دیگر که نتیجه شرایط ملال آور بازداشتگاه بود ، در عذاب بودم تا آنکه بالاخره پس از ۴ ماه به بند ۳۵۰ اوین منتقل شدم.

مامورین اطلاعات در جلسات بازجویی اینجانب را به دلیل خدمت مشاوره شبانی به کلیسا که مربوط به ۸ سال پیش از بازداشتم می شد مورد بازجویی قرار دادند . متنذکر می شوم طبق ۱۶۸ قانون اساسی انتخاب مذهب و شرکت و فعالیت در جلسات مذهبی در ایران کاملاً قانونی است و آنچه که غیر قانونی است زندانی بودن اینجانب و افرادی چون من در ایران است ، و براساس کیفر خواست صادره با اتهامات :

- 1 اجتماع و تبانی به قصد بر هم زدن امنیت ملی
- 2 تبلیغ علیه نظام و براندازی نرم

3 تشکیل سازمان ؛ ناعادلانه محکوم به ۸ سال حبس تعزیری شده ام.

لازم به ذکر است که این اتهامات پس از سال ها عدم سکونت در ایران مطرح شد . جناب آقای رئیس جمهور ، اینجانب نیز مانند شما معتقد به اعتدال بوده و به عنوان یک مرد روحانی نه به سیاست علاقه داشته ام و نه در صدد اقدامی علیه امنیت ملی تبلیغ علیه نظام یا تشکیل گروه سیاسی بوده ام . هدف من در تمامی تلاش ها در کشورم محبت و کاهش رنجها آلام فقرا ، ایتمام و کودکان بی سرپرست مطابق با دستورات و احکام دینی بوده و هدفی جز رضای نجات دهنده ام عیسی مسیح نداشته ام .

شواهد این ادعا را می توانید در متن بازجویی ها و محتوا پرونده من به روشنی بیابید بر این اساس امیدوارم به عنوان کسی که قسم یاد کرده تا حافظ حقوق شهروندان و اجرای قانون اساسی باشد دستورات لازم را برای بازبینی مجدد در پرونده ام توسط مقامات امنیتی بی طرف دولت جدید و محکمه مجدد این جانب طبق ۱۶۸ قانونی اساسی با حضور قضات بی طرف و رعایت اصول دادرسی عادلانه و با حضور رسانه های گروهی صادر گردد و این خواسته به حق آرزوی تمام کسانی است که به اتهامات عقیدتی و سیاسی در زندان بسر می برند . تا بدین وسیله امکان اصلاح احکام ناعادلانه طی سال های اخیر را فراهم آورید .

چشمان همسر و فرزندانم و همچنین بیش از یک میلیارد مسیحی جهان بعد از خداوند در انتظار و توقع اجرای عدالت از سوی شماست .

لطفاً با اقدام عاجل در این زمینه اجازه ندهید زندگی من و بسیاری دیگران از همبندانم طعمه آتش افراطیونی قرار گیرد که سالهای ایران را به گردابی از بحران ها وارد کرده است . با توجه به این نکته که من برای خدمت به کودکان بی سرپرست به ایران آدم نگذارید تا همسر و فرزندان خودم بی سرپرست بمانند .